



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن
موضوع جزئی: قلمرو قاعد - جهته الرابعة: شمول اخبار من بلغ نسبت به
تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۹۴
مصادف با: ۵ ربیع الثانی ۱۴۳۷
جلسه: ۲۴
خبر ضعیف دال بر کراهت

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

جهت چهارم: شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دال بر کراهت

جهت چهارم از جهاتی که پیرامون قلمرو قاعده است مربوط به شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دال بر کراهت است.

جمعی قائل شده اند اگر خبر ضعیفی بر کراهت فعلی و عملی دلالت کند، به مقتضای اخبار من بلغ کراهت آن فعل یا عمل ثابت می‌شود، همانطور که به مقتضای اخبار من بلغ استحباب آن عملی که با خبر ضعیف استحبابش بیان شده، ثابت می‌شود.

ابتدائاً یک مطلبی را عرض می‌کنم. به طور کلی مبنای ما در باب مفاد و مدلول اخبار من بلغ قهراً در تعیین قلمرو قاعده تاثیر دارد، یعنی ما قلمرو قاعده را با ملاحظه آنچه که در مورد مدلول اخبار من بلغ اختیار کرده ایم باید تعیین کنیم، مشهور چون نوعاً حجیت خبر ضعیف یا استحباب خود آن عمل را استفاده می‌کنند، قهراً وقتی نوبت به بحث از شمول این قاعده نسبت به خبر ضعیف دال بر وجوب یا کراهت یا حرمت می‌رسد، باید دلیل آنها مبتنی بر چیزی باشد که در مدلول اخبار من بلغ اختیار کرده اند. مثلاً آنها که قائل هستند به اینکه خبر ضعیف دال بر کراهت به مقتضای اخبار من بلغ مفید کراهت آن شیء است، قهراً این سخن را بر اساس همان مبنایی که در مدلول اخبار من بلغ اختیار کرده اند باید بگویند. به هر حال اگر ملاک را مدلول مطابقی بدانیم، نمی‌تواند کراهت را شامل شود، ولی اگر کسی گفت خبر ضعیف دال بر کراهت به نوعی از آن استحباب ترک استفاده می‌شود، می‌تواند شامل آن شود اینگونه نیست که فقط روی مبنای کسانی این بحث قابل طرح باشد که قائل به استحباب به عنوان اولی شده اند، حتی اگر ما قائل به دلالت اخبار من بلغ بر حجیت خبر ضعیف هم باشیم، راه برای استفاده کراهت از خبر ضعیف دال بر کراهت به مقتضای اخبار من بلغ هست، این همه دائر مدار این است که ما بتوانیم عنوان موضوع اخبار من بلغ را شامل خبر ضعیف دال بر کراهت بکنیم یا نتوانیم، کما اینکه در مورد خبر ضعیف دال بر وجوب و خبر ضعیف دال بر حرمت هم عمدتاً بحث همینطور بود، حتی روی مبنای خودمان که اخبار از ثواب تفضلاً است، اگر یک خبر ضعیفی دال بر کراهت بود باید ببینیم این اخبار شامل ما نحن فیه می‌شود یا نه، لذا اگر ما اینجا اشکال می‌کنیم به مشهور، لزوماً به معنای نفی شمول اخبار من بلغ نیست، چه بسا روی مبنای خودمان این اخبار شامل مورد محل بحث بشوند.

ادله شمول

مشهور معتقدند اخبار من بلغ روایت ضعیف دال بر کراهت را حجت می‌کند، یا به تعبیر دیگر از خبر ضعیف دال بر کراهت می‌توانیم کراهت را استفاده کنیم، یعنی طبق نظر مشهور، با قاعده تسامح در ادله سنن کراهت قابل اثبات است، همانطور که استحباب قابل استفاده است.

در اینجا عمدتاً محقق اصفهانی چهار دلیل ذکر کرده برای اینکه قاعده تسامح و اخبار من بلغ شامل خبر ضعیف دال بر کراهت می‌شود. لکن از این چهار دلیل سه دلیل را رد کرده اند و یک دلیل را تقریباً پذیرفته اند. دو دلیل از این چهار دلیل از راه تنقیح مناط می‌خواهد اخبار من بلغ را شامل ما نحن فیه کند.

دلیل اول

دلیل اول از طریق تنقیح مناط به دنبال اثبات شمول است به این بیان که: اخبار من بلغ دلالت می‌کند بر اینکه احکام غیر الزامی نیاز به دلیل معتبر ندارد، و ما این مناط را از اخبار من بلغ بدست می‌آوریم، مناط این است که احکام غیر الزامی نیاز به دلیل معتبر ندارند و فقط احکام الزامی هستند که باید دلیل معتبر برای آنها اقامه شود، بر این اساس، کراهت چون یک حکم غیر الزامی است، نیاز به دلیل معتبر ندارد، اگر این مناط باشد قهراً این اخبار شامل خبر ضعیف دال بر کراهت هم می‌شود چون یک حکم غیر الزامی است.^۱

بررسی دلیل اول

این دلیل قابل قبول نیست، وقتی ما می‌گوییم از راه تنقیح مناط می‌خواهیم یک دلیل لفظی را شامل موردی کنیم، این مبتنی بر این است که این مناط اولاً تنقیح شود و بعد منطبق شود بر آن موردی که درصدد ادخال آن در این مناط هستیم، اینجا اصل تنقیح این مناط مشکوک است، به چه دلیل بگوییم غرض از اخبار من بلغ، اثبات عدم احتیاج احکام غیر الزامی به دلیل معتبر است؟ ما نمی‌توانیم این را احراز کنیم و قرینه ای هم وجود ندارد که در احکام غیر الزامی دلیل معتبر نمی‌خواهد، نمی‌گوییم امکان آن نیست، احتمال دارد مناط همین باشد، ولی دلیلی بر آن نیست، و به تعبیر خود محقق اصفهانی اثبات آن مشکل است.

دلیل دوم

یک راه دیگری هم که خود ایشان تعبیر تنقیح مناط در آن بکار برده وجود دارد. ایشان می‌فرماید: اخبار من بلغ به حسب ظاهر در مورد افعال وارد شده است، چون می‌گوید: «من بلغه شیء من الثواب فعمله» ظاهرش این است که سخن از بلوغ ثواب بر یک فعل و عمل است، ولی این در واقع در مقام ترغیب به تحصیل ثواب بالغ است، «من حیث أنه ثواب بالغ» نه بخاطر خصوصیتی که در فعل و عمل وجود دارد، مناط در اخبار من بلغ این است که وقتی می‌گویند: کسی که ثوابی به او برسد و عمل کند ما همان ثواب را به او می‌دهیم، این در واقع ترغیب می‌کند به اینکه دنبال این ثواب برویم، نه این که بگویید خصوصیتی در خود آن عمل است که بخاطر آن، این ثواب داده می‌شود، چون

^۱ نه‌ایة الدراية، ج ۴، ص ۱۸۹.

اگر در خود فعل این خصوصیت وجود داشت، ما باید قهراً اکتفا می‌کردیم به ثواب بر فعل، آنوقت دیگر شامل کراهت نمی‌شود، ولی این موضوعیت ندارد چون اگر در مقام ترغیب بر تحصیل ثواب بالغ باشد، ثواب بالغ یک عنوانی است که می‌تواند هم بر افعال مترتب شود و هم بر ترک، کاری هم نداریم که در خود آن فعل خصوصیتی هست یا نیست، اگر این باشد، شامل خبر ضعیف دال بر کراهت هم می‌شود، تعبیر تنقیح مناط را خود ایشان به این بیانی که عرض کردم در اینجا بکار برده است، پس مناط این شد که این اخبار و روایات در مقام ترغیب به تحصیل ثواب بالغ «من حیث انه ثواب بالغ» است، «لامن حیث عمل و فعل» یا «لا من حیث ان له خصوصیه». ملاک دادن ثواب «الثواب بالغ، بما انه ثواب بالغ» است، نه اینکه خود عمل خصوصیتی داشته باشد، اگر ملاک و مناط این باشد، از آنجا که ثواب بر خود فعل نیست، چون فعل خصوصیتی ندارد، بلکه اصل ثواب مهم است، چه ثواب بر فعل و چه ثواب بر ترک، پس شامل ثواب بر ترک هم می‌شود.

ظاهر فرمایش محقق اصفهانی این است که این وجه مورد قبول ایشان است، با اینکه آن سه وجه دیگر را رد می‌کند، چون بعد از آن می‌فرماید، «فالحق مع المشهور».

بررسی دلیل دوم

به نظر می‌رسد خود این ملازمه ثواب بر ترک با کراهت و اخبار از مفسده مترتب بر فعل با هم روشن نیست، اگر کسی بین اخبار از کراهت و ترتب مفسده بر عمل و ترتب ثواب بر ترک ملازمه قائل باشد، می‌توانیم بگوییم به این عنوان شامل خبر ضعیف دال بر کراهت هم می‌شود، اما اگر این ملازمه را کسی نپذیرد قهراً دیگر شامل خبر ضعیف دال بر کراهت نمی‌شود.

دلیل سوم

در این دلیل دیگر ایشان عنوان تنقیح مناط را به کار نبرده، بلکه ظاهراً از راه ظاهر لفظ وارد شده اند، به این بیان که وقتی خبر ضعیفی دلالت بر کراهت می‌کند، این بالمطابقه دلالت بر کراهت دارد، اما بالالتزام بر استحباب ترک دلالت می‌کند، پس مدلول التزامی خبر ضعیف دال بر کراهت این است که ترک آن عمل مستحب است، آنگاه شمول اخبار من بلغ نسبت به این مورد واضح و روشن می‌شود، چون ترک مکروه مستحب است، اگر ترک مکروه مستحب بود، قهراً اخبار من بلغ شامل این مورد هم می‌شود.^۱

بررسی دلیل سوم

اشکال این است که، این حکم به دو حکم انحلال پیدا نمی‌کند، اینگونه نیست که ما از این کراهت، دو حکم را استفاده کنیم، یکی خود کراهت و دیگری استحباب ترک، دو حکم نمی‌توانیم استفاده کنیم، استحباب ترک بوسیله کراهت قابل اثبات نیست، بنابر این شمول اخبار من بلغ نسبت به این مورد محل اشکال است.

^۱ .نهایة الدراية، ج ۴، ص ۱۸۹.

فرق دلیل اول و دوم و سوم

در دلیل اول از راه تنقیح مناط میخواستند وارد شوند، مناط این بود که احکام غیر الزامی محتاج دلیل معتبر نیستند. دلیل دوم باز هم تنقیح مناط بود به این بیان که اساساً این اخبار در مقام ترغیب به ثواب بالغ هستند «من حیث أنه ثواب بالغ»، یعنی مناط در قضیه ای که اخبار من بلغ متکفل آن هستند این است که خصوصیت ترغیب به ثواب بالغ مورد نظر است و کاری به عمل ندارد «الثواب البالغ» اعم از این است که الثواب علی الفعل باشد یا ثواب بر ترک باشد، بنابراین این ایشان گفتند کراهت هم قابل استفاده است.

در دلیل سوم بحث در شمول ظاهری این اخبار است و بحث تنقیح مناط نیست، می‌گوید موضوع خود این اخبار شامل ما نحن فیه می‌شود، به این معنا که بگوییم آن اخبار بر استحباب دلالت می‌کند، ما هم به نوعی ترک مکروه را بر می‌گردانیم به استحباب، پس در دلیل سوم بحث این است که اخبار من بلغ استحباب چیزی که بر آن ثواب ذکر شده است را ثابت می‌کند، لکن چون ترک مکروه هم مستحب، پس این اخبار هم شامل آن می‌شود. عرض کردیم پاسخ آن این است که اگر یک حکمی دلالت بر کراهت یک فعلی کند، این حکم متضمن یا به عبارت دیگر متکفل دو حکم نیست که یکی کراهت فعل باشد و دیگری استحباب ترک، انحلال اصلاً معنا ندارد، لذا ما نمی‌توانیم با این بیان شمول این اخبار را نسبت به کراهت اثبات کنیم.

دلیل چهارم

دلیل چهارم در واقع مبتنی بر این حکم عقلی است که هر اطاعتی ثواب دارد، یعنی به طور کلی وقتی انسان از خداوند تبارک و تعالی اطاعت کند به او ثواب داده می‌شود، چه اطاعت از امر چه نهی، نهی هم، چه نهی تحریمی باشد، چه نهی تنزیهی، پس به طور کلی اطاعت ثواب دارد، اگر ما اطاعت را مصداقی از ثواب دانستیم، آنوقت عنوان «بلغه شیء من الثواب» شامل آن می‌شود، چون اینکه می‌گوید «بلغه شیء من الثواب» این ثواب مطلق است، اعم از ثواب بر فعل و ثواب بر ترک. ثواب بر فعل بالمطابقه از این اخبار فهمیده می‌شود، چون می‌گوید، «من بلغه شیء من الثواب فعمله» اما ثواب بر ترک از نهی تنزیهی به نحو التزامی استفاده می‌شود، خبر ضعیف دال بر کراهت یک نهی تنزیهی دارد که در واقع مبین ثواب بر ترک است، پس از آنجا که به حکم عقل اطاعت از اوامر و نواهی، اطاعت از نهی تحریمی و نهی تنزیهی که محل بحث ما است، مصداق ثواب است، و هر اطاعتی به حکم عقل ثواب دارد، اگر کسی را از یک کاری نهی کنند، و او ترک کند، ثواب در آن هست، و اینجا «من بلغه شیء من الثواب» هم شامل ثواب بر فعل و هم شامل ثواب بر ترک می‌شود، و لازمه ثواب بر ترک کراهت است، پس اخبار من بلغ کراهت را هم در بر می‌گیرد.

در واقع اینجا می‌خواهد بگوید: مقتضای اخبار من بلغ دو جعل است، یکی جعل استحباب و دیگری جعل کراهت، بعد در ادامه می‌گوید: جعل استحباب در مواردی است که بر انجام یک فعلی وعده ثواب داده شود، و جعل کراهت در مواردی است که بر ترک این فعل ثواب داده شود، اگر قرار باشد بر ترک شیء ثواب داده شود «هذا هو معنی الکراهة».

ایشان در ادامه می‌گویند:

ادله حجیت خبر واحد این چنین است، یعنی ادله حجیت خبر ظاهراً به معنای وجوب عمل بر طبق خبر است، یعنی «العمل علی وفق الخبر واجب»، اما لازمه ای هم دارد، و آن اینکه، رد خبر هم حرام است، دلالت بر حرمت رد خبر می‌کند، یا مثلاً در مورد ادله استصحاب «لاتنقض الیقین بالشک»، دلالت بر حرمت نقض یقین به شک می‌کند، اما بالالتزام دلالت می‌کند بر وجوب عمل بر طبق یقین سابق، پس از این راه می‌خواهد استفاده کند که اخبار من بلغ در واقع شامل می‌شود این فرض را از این باب که کأنه دو جعل از اخبار من بلغ استفاده می‌شود.

پس این هم یک دلیل است، ادله ای که اینجا اقامه شده هرچند به هم شباهت دارند ولی باهم کاملاً متفاوت هستند.

بررسی دلیل چهارم

محقق اصفهانی می‌فرماید: مشکل این دلیل این است که خلاف ظاهر اخبار من بلغ هستند، از اخبار من بلغ به حسب ظاهر دو جعل استفاده نمی‌شود، در واقع می‌خواهد بگوید اگر کسی کار را انجام دهد ثواب میبرد، لذا ثواب بر فعل استفاده می‌شود، اما ثواب بر ترک و یا ثواب بر عدمیات از آن استفاده نمی‌شود.

پس بحث در ظاهر این اخبار است، که از ظاهر این اخبار دو جعل استفاده نمی‌شود، ولی ثبوتاً مانعی ندارد که اینگونه باشد، در مورد استصحاب یا حجیت خبر واحد ما میدانیم عدم توجه به یقین سابق یا حتی عمل نکردن طبق خبر واحد، یا رد خبر واحد این عوارضی دارد، چه بسا این با ادله دیگری ثابت شده است.

این نکته را باید توجه داشت که تارة می‌خواهیم بر مبنای مشهور صحبت کنیم، و آخری بر مبنای مختار حرف می‌زنیم. بر مبنای مشهور، آنها می‌خواهند بگویند: خبر ضعیف دال بر کراهت است و، «تثبت به الکراهه» یا می‌خواهند بگویند خبر ضعیف دال بر کراهت «بصیر حجة»، بواسطه اخبار من بلغ، بالاخره ادعا این است که اخبار من بلغ می‌خواهد خبر ضعیف دال بر کراهت را حجت کند یا این را دال بر کراهت قرار دهد که مکروه می‌شود، بر این اساس اگر خبر ضعیفی دیدیم که فلان چیز را گفته که مکروه است، فتوا به مکروه بودن آن می‌دهیم، از باب قاعده تسامح، این را نمی‌توانیم بپذیریم، چون وابسته به مبنایی است که ما در اصل اخبار من بلغ داریم، بله می‌توانیم بگوییم: اخبار من بلغ همانطور که اخبار از ثواب تفضلاً بر فعل هستند، اخبار از ثواب تفضلاً بر ترک هم می‌باشند، طبق مبنای خودمان، اگر خبر ضعیفی وارد شد که فلان چیز مکروه هست، نمی‌توانیم بگوییم هذا مکروه، نمی‌توانیم بگوییم ترک آن مستحب است، بله، می‌توانیم بگوییم ترک آن ثواب است، چون بعد از آن دارد «بلغه شیء من الثواب فعمله، کان له اجر ذلک» می‌توانیم بگوییم اگر کسی مکروهی را به استناد یک خبر ضعیفی ترک کند، به مقتضای اخبار من بلغ ثواب تفضلاً به او داده می‌شود.

ما شبیه این را در مورد خبر ضعیف دال بر حرمت یا وجوب هم گفتیم، لذا بستگی به این دارد که ما از این اخبار چه چیزی را کشف کنیم، استحباب را کشف کنیم، یا حجیت را کشف کنیم، پس روی مبنای ما می‌تواند شامل شود، ولی

مشهور نمی‌توانند از این استفاده کراهت کنند، استفاده کراهت نمی‌توان از آن کرد، طبق این ادله ای که ما آوردیم، یعنی اگر در جایی خبر ضعیفی دیدند نمی‌توانند بگویند با این خبر ضعیف کراهت ثابت می‌شود. بالاخره همه اینها را ضمیمه به این باید کرد که این اخبار من بلغ بر خلاف قاعده مطلبی را بیان می‌کند، بالاخره طبق نظر مشهور این یا حاکم بر ادله حجیت خبر واحد است یا مخصص آن است، در هر صورت بر خلاف قاعده است، اگر ما شک کنیم چه کاری باید انجام دهیم؟ باید به همان حکم عام رجوع کنیم، که نتیجه این می‌شود که این دلیل معتبر نیست.

بحث جلسه آینده

دو جهت دیگر مانده است که بحث از قلمرو قاعده را تمام کنیم:

یکی شمول قاعده نسبت به فضایل: اگر خبر ضعیفی دال بر فضایل اهل بیت بود، آیا مشمول اخبار من بلغ هست؟ دوم اینکه ببینیم اصلاً اخبار من بلغ شامل فتوای مجتهد یا شهرت و امثال آن می‌شود یا خیر.

«والحمد لله رب العالمین»